هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و چهارم ۲۲ دلو ۱۳۹۰ ۱۹ ربیع الاول ۱٤۳۳ - 11 February 2012



برنده ترین سلاح ملت ما در مقابل کمونیزم، سلاح ایمان، عقیده و استقلال خواهی بود

خوانندگان عزیز، آنچه در صفحهٔ دوم «مجاهد» می خوانید متن سخنرانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان، شهید صلح استاد برهان الدین ربانی است که در سال ۱۳۸۲ هجری خورشیدی در محفلی به مناسبت تجلیل از پانزدهمین سالروز شکست نیروهای اشغالگر اتحاد شوروی سابق، ایراد فرموده بودند که به یاد زنده نگهداشتن یاد و خاطرهٔ استاد شهید، آنرا به نشر می رسانیم. «اداره»

۲۶ دلو سالروز شکست ارتش متجاوز اتحاد شوروی سابق به دست پرتوان مجاهدان را گرامی می داریم



در تاریخ ملت ها، روزهایی تاریخی و قابل افتخار وجود دارد. در کشور عزیزما افغانستان نیز روز هایی تاریخی و پرافتخار موجود است که عمده ترین آنها، همان روزهایی است که مردم متدین، مجاهد، آزاده و سرافراز ما در دفاع از دین، آزادی، استقلال و حاکمیت ملی شان در برابر قدرت های مهاجم، قیام کردند و سرانجام ملت افغانستان از آنها پیروز به در آمده است.

از فرموده های شهید صلح استاد برهان الدین ربانی





د سلواغی شپږویشتمه د هیواد د وروستي تاریخ زرینه پانه

هغه مهال چې د پخواني شوروي اتحاد سرو لښکرو او د هغوی افغاني تالي څټو زمونږ د هیواد د ښکیلولو په منظور ((د افغان شوروي دوستي)) شعارونه بدرقه کول، هیچا هم دا گمان نه کاوه چې پر ځمکه یې لمرنه ډوبیدونکي شوروي پوځونه به له ماتي سره مخ شي او افغانان به لکه چې له انګلیسانو څخه یې خپلواکي گټلې وه، له قطبي دوستانو (!) پخوانی شوروي اتحاد، څخه هم آزادي تر لاسه کړي؛ ځکه نه هیریږي چې ویلې به یې (انقلاب شکست نا پذیر ما، دوستی پایدار افغان شوروي، درود بر روح لینن بزرگ) او داسې نور.
خو افغان میړنی ولس په خپلو توانمندو متهو او د اسلامي امت په پراخه مرستو او نړیوال حمایت سره وکولای شو چې د شوروي اویا کلنه امپراتوري داسې دړې وړې کړي چې له خیټې څخه یې د منځنۍ اسیا د شپږو گاونډي اسلامي هیوادونو (تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرغیزستان او آذربایجان) په گډون نور لس هیوادونه هم راوویستل او د پخواني شوروي اتحاد کمونستي پیوستون محکم زنځیر یې داسې وشلوه چې د ((وارسا پکټ)) کې داخل شوی چکوسلواکیا، مجارستان، بلغاریا، پولینډ، رومانیا او د ((ټیټو)) محکمه یوگسلاویا هم ورسره تس نس شوه او له خپلې پخوانۍ قبلې (وارسا) څخه یې ډیرو هیوادونو لکه اوکراین او... په خپل پخواني دښمن (ناټو) کې گډون غوره کړ. او د کمونستي تضاد پر بنیاد د ویشل شوی المان ختیځی برخی (ختیځ جرمني) هم د برلین د دیوال په نړیدو ویاړ غوره کړ او نن پراخه جرمني د ناټو د لومړي قطار هیواد گڼلی کیږي او د خپل نازی ((هټلر)) ظلمونه یې چې په یادیدلو سره به یې انسان غونی زیږ کیده. د تزاری روسانو د وارثانو پخواني ستر شوروي د انقلابیانو او د کمونستي مفکورې د بنیاد ایښودونکو (مارکس، انګلز، لینن، ستالین، تروتسکی او...) د ظلمونو په لیدو سره هیر کړل: هغو چې د کارگرانو د خلاصون (!) په نوم یې د (۱۹۱۷) میلادي کال په خونړي انقلاب کې د (۱.۳۷۶،۶۶۶) په

۳مخ

طالبان در میدان بازی (قطر)!

ص۳



طرح استجواب وزاری ناموفق کابینه از سوی پارلمان

ص۷





گزارشی از سمینار پشاور، تحت عنوان

اوضاع افغانستان تاثیر آن بر منطقه و راه های حل

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارۀ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

روزهای تاریخی را گرامی بداریم

سی و دو سال پیش از امروز (٦ جدی ۱۳۵۸)، اتحاد شوروی سابق با قشون سرخ تا دندان مسلح، در حمایت از گروه های الحادی خلق و پرچم، از زمین و هوا به کشور ما هجوم آورد و نُه سال با همه امکانات پیشرفتۀ نظامی و آنچه در توان داشت، به قول استاد خلیلی علیه «ملت برهنه پا» دریغ نکرد اما سرانجام توسط ملتی که به خاطر دفاع از ارزش ها، مقدسات دینی، حصول آزادی، استقلال و تمامیت ارضی قیام نموده بودند که آن جهاد امر پروردگار بود، اتحاد شوروی سابق را با همه ساز و برگ پیشرفتۀ نظامی اش از پا درآورد و به تاریخ ۲٦ دلو سال ۱۳٦۷ هجری خورشیدی، بعد از وارد کردن تلفات جانی و اقتصاد ورشکسته، راهی کشورش گردانید. اتحاد جماهیر شوروی از جمله دو قدرت بزرگ در جهان بود، که بعد از شکست در افغانستان، متلاشی و به جمهوریت های پانزده گانه تقسیم شد.

آزادی و آزاد زیستن ودیعۀ الهی است که به دست نیرومند و توانای دلیرمردان، با ایثار و از خودگذری که حتی از جان شیرین شان می گذرند، مال و دارایی را اندرین راه وقف می کنند و هدف شان رضای خداوند است، به دست می آید.

آنچه در پیروزی قیام ها سهم بارز دارد، داشتن رهبری متعهد و خردمند و آگاه امور است. که خوشبختانه جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان از این نعمت برخوردار بود. داشتن رهبری عالم و سیاستمدار موفق، چون استاد برهان الدین ربانی و فرمانده ای نستوه چون مسعود شهید قهرمان ملی کشور، در پهلوی سایر فرماندهان و مجاهدان، مردم مسلمان افغانستان را به سوی پیروزی رهنمون شد.

این شکست پرقدرت ترین کشور جهان (اتحاد شوروی اسبق)، مرهون ایثار و فداکاری همه باشندگان کشور است. چه آنانی که عملاً در صحنۀ کارزار جهاد و مقاومت بر علیه متجاوزین و ایادی شان قرار داشتند، چه آنانی که در خارج و داخل کشور (درعقب جبهه) در عرصه های سیاسی و فرهنگی فعالیت نمودند، چه آنانی که دارایی و دیار شان را ترک گفته، راهی دیار هجرت در داخل و خارج کشور گردیدند، این ها همه دست به دست هم داده، متحدانه و آگاهانه، هریک در سرنگونی متجاوزین سهم بسزایی را ایفاء کردند که به کمک خداوند جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان به پیروزی نایل آمد.

در حالی که هرگونه تجاوز و مداخله در حریم کشورمان را به شدت نکوهش و تقبیح می نماییم، خاطرۀ همه شهدای دوره های جهاد و مقاومت را گرامی می داریم، آنچه بعد از هر پیروزی مهم و اساسی پنداشته می شود و رهروان این راه را تشویق و امیدوار به حال و آینده می سازد، تعقیب ادامۀ راه شهداء و رسیدگی به جانبازان و یتیمان و بیوه زنان است. که با تأسف در کشورما به این امر مهم توجه نشده است.

از دولت، رهبران جهادی و فرماندهان مطرح این دو دورۀ افتخار آفرین (جهاد و مقاومت) خواستاریم، که به مناسبت سالروز خروج و شکست مداخله گر عصر، (اتحاد شوروی سابق)، از همه مهمتر روز پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان (هشت ثور)، آماری از متضرین دوره های جهاد و مقاومت تهیه، و به حال زار برخی آنانی که در بی سرنوشتی و گرسنگی و محتاجی زندگی پرمشقتی را پشت سر می گذرانند، رسیدگی صورت گیرد. حتمی است که تجاوز و مداخله را تقبیح نموده، پیروزی و موفقیت مجاهدان را که مایۀ سربلندی و افتخار کشور و باشندگان آنست، به نکویی و افتخار یادآور می شوند. اما زنده نگهداشتن ارزش ها و ارجگذاری به آنانی که در این راه تلاش بخرچ دادند، امریست مهم و ضروری.

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت، هشت سال پیش (۱۳۸۲) در محفل تجلیل از پانزدهمین سال شکست اتحاد شوروی سابق:

برنده ترین سلاح ملت ما در مقابل کمونیزم، سلاح ایمان، عقیده و استقلال خواهی بود

الحمدلله وکفی و سلام علی عباده الذین اصطفی و بعد:

برادران و دوستان!

شکی نیست که در تاریخ ملت ها، روزهایی تاریخی و قابل افتخار وجود دارد در کشور عزیزما افغانستان نیز روز هایی تاریخی و پرافتخار موجود است که عمده ترین روز آنها، همان روزهایی است که در آنها مردم متدین، مجاهد، آزاده و سر افراز ما در دفاع از دین، آزادی، استقلال و حاکمیت ملی شان در برابر قدرت های مهاجم قیام کردند و سرانجام ملت افغانستان از آنها پیروز به در آمده است. در جملۀ روزهای پرافتخار معاصر ما رستاخیز بزرگ اسلامی و ملی ملت ماست که در دورۀ تهاجم اتحاد شوروی، این ملت یکپارچه و به دور از کشمکش های قومی، لسانی و نژادی به محور واحدی جمع شده و برای دفاع از ارزش های دینی و دفاع از اسلام و آزادی و حاکمیت ملی شان قیام کردند. در شرایطی این قیام صورت گرفت که اتحاد شوروی به عنوان یک قدرت نظامی- سیاسی و یک ابر قدرت شکست ناپذیر تلقی می شد و هیچ کس تصور نمی کرد، در برابر این ابرقدرت کشورهای قدرتمندی بتوانند مقابله کنند، تاچه جایی که یک ملت ناتوان و یک کشور فقیر و عقب مانده، مثل افغانستان و آن هم در شرایطی که نظام حاکم و احزاب قدرتمند برسراقتدار در پیشاپیش قشون سرخ برای سرکوبی ملت خود دست به کار شده بودند و جمعی از فرزندان این ملت، و جمعی از علمای این ملت و تعدادی از استادان، معلمین و جوانان این ملت و جمعی از دهقانان و تاجران و مردم مظلوم این کشور، درحالی که هیچ پشتوانۀ خارجی هم نداشتند کمر همت بستند و در برابر تهاجم اتحاد شوروی اعلان مقابله و مقاومت کردند و بعد از آن که مراحل بسیار سخت را پشت سرگذاشتند و گام های بزرگی هم در این جهت برداشتند تازه دنیا متحد شد و کشورهای مختلف آرام آرام دست تعاون به ملت افغانستان دادند، در نهایت ملت ما پیروز شد. قشون اتحاد شوروی با ذلت از افغانستان بیرون رانده شد. به مناسبت تجلیل این واقعه، چند مسأله را باید گفت و فراموش نباید کرد و آن این که، نیروهای اشغالگر و استعمارگر در تهاجم خود اهدافی دارند؛ اهداف قصیرالمدت و هدف های دراز مدت، هدف اساسی قدرت های مهاجم تنها زمین گیری و اشغال خاک نیست زیرا اگر هدف چنین می بود افغانستان زیاد برای اتحاد شوروی از لحاظ اقتصادی مهم نبود.

هدف های استراتژیک، هدف های سیاسی، فرهنگی دراز مدتی داشتند که برای رسیدن به این هدف ها دست به تهاجم زدند. آنها برای ریشه کن ساختن اندیشه های فکری و فرهنگی تهاجم خود را از افغانستان شروع کردند و ملت ما برنده ترین سلاحی را که در اختیار داشت، همانا سلاح ایمان، سلاح عقیده، سلاح آزادمنشی و سلاح استقلال خواهی بود. اتحاد شوروی شکست خورد و ملت ما به پیروزی رسید. حالا از خود می پرسیم: آیا برای حفظ ارزش هایی که عامل موفقیت ما شد، حالا چه تصوری داریم، آیا به ارزش های دیروز خود که باعث سربلندی و آزادی و باعث پیروزی ماشد توجه داریم؟ اگر صادقانه قضاوت کنیم نه خیر! توجه جدی به ارزش های فکری و فرهنگی خود نداریم، حتی ما می بینیم امروز در مرحله ای که سخت نیاز به وحدت و همبستگی و حفظ ارزش های فرهنگی خود داریم، توسط خود ماو شما نه توسط قدرت های مهاجم ارزش های فرهنگی و ارزش های جهادی ما هدف قرار داده می شود و ماعلیه جهاد خود و مجاهدین خود، یک جنگ فرهنگی را شروع کرده ایم، بنام جنگ سالار و یاهر تعبیر دیگری تلاش هایی وجود دارد تا همۀ ارزش ها و افتخارات دیروز خود را بکلی فراموش کنیم در این صورت بزرگترین جفایی است که به ملت خود، به امنیت، ثبات و به افتخارات دینی و ملی خود می کنیم که تازه خون شهدای ماخشک نه شده و تازه هنوزهم کسانی که درسنگرهای گرم شرکت کردند، جراحات شان التیام نیافته، ما شروع کردیم به از بین بردن این همۀ ارزش ها و فراموش کردن آنها.

شکی نیست که هر جریانی شاید اشتباهاتی داشته باشد، این تنها مربوط به جریان جهادی ملت ما نیست. در انقلاب های دیگری هم که در دنیا توسط نیروهای آزادی بخش صورت گرفته است در مقاطع مختلف از آنها اشتباهاتی سرزده است. اما آنها انقلابات بزرگ و افتخارات تاریخی خود را فراموش نکرده اند ولی بدبختانه درمیان، افرادی دستوری و یا نفوذی هستند که اینها در دوران جهاد خطاهایی کردند. و یا افراد نادرست و ناروایی که بعد از جهاد و پیروزی جهاد، کارهایی انجام دادند. امروز هم تعدادی از ما در سطوح اداری وکشوری تمام بحث و حجت خود را روی نقاط ضعف جریان جهاد متمرکز می نمایند و نقاط قوت و پیروزی آن را کمتر حساب می کنند.

این فاجعه در سطح قضاوت های بین المللی هم درحال شکل گیری است چنانچه در جریان بعد از ۱۱سپتامبر یک سلسله قضاوت های نادرستی هم صورت گرفته یقیناً فاجعۀ اسفناکی توسط عناصر مفسد در ۱۱ سپتامبر صورت گرفت و یکتعداد افراد بیماری که شاید دستوری و یا استخدام شده بوده باشند در کدام طرفی بخاطر بدنام ساختن ارزش های والای جهاد و ارزش های اسلامی تبلیغ کنند که یقیناً به نفع صلح و ثبات جهانی نبوده و این را باید مسلمانان مخصوصاً ملت مجاهد افغانستان به صورت روشن، همه جا بیان کنند که حرکت های تروریستی در هرجایی که صورت می گیرد با دین و ارزش های دینی و جهادی ارتباطی ندارد، بلکه این حرکات بخاطر بدنام ساختن دین و اسلام می باشد. لذا دامن پاک و چهرۀ تابناک اسلام را نباید با این حرکات آلوده و خدشه دار ساخت و حساب همچو مردمان بکلی دور از حساب اسلام و دین است. به این اساس جهاد مقدس ما نه تنها در افغانستان بلکه یک حرکت به سطح منطقه و جهان بود و امنیت را در افغانستان و جهان به وجود آورد. زیرا مهمترین خطری که جهان را تهدید می کرد خطر مارکسیزم متجاوز بود که مارکسیزم به عنوان یک اندیشۀ تجاوزگر نه تنها علیه فرهنگ ما بلکه علیه کشورهای مختلف به خاطر از بین بردن امنیت درجهان پنجه های خود را به قاره های مختلف آسیا، امریکای لاتین و افریقا دراز کرده بود و در همه جا مراکز بی ثباتی توسط مارکسیزم رهبری می شد و امروز هرجایی که تشنجی را درکشورها می بینید شاید۹۹درصد تشنجات درجاهایی وجود دارد که در آنجا نظام های مارکسیزم حاکم بودند.

جای خوشی است که یک بار دیگر افغانستان مورد توجه جهانیان قرار گرفته است این موضوع را به نظر قدر می بینیم و این را تأکید می نماییم که همکاری دنیا یقیناً در ثبات و استحکام امنیت نه تنها در افغانستان بلکه در منطقه مفید خواهد بود و زمانی آرمان بین المللی و آرمان ملی ما تأمین شده می تواند که هماهنگی در قسمت همکاری ها به میان آید. اساساً امنیت و ثبات زمانی در یک کشور استحکام پیدا می کند که مردم معتقد شوند، که در جهت نهادینه شدن ارزش های فکری و فرهنگی و تاریخی این ملت فعالیت های دوستانه جریان دارد، هیچ تضادی در میان دو طرز کار وجود ندارد و همگی در یک جهت حرکت می کنند، یعنی دنیایی که باما همکار اند در قسمت استحکام امنیت و استقلال افغانستان، تثبیت هویت ملی افغانستان، حفظ تاریخ، فرهنگ و ارزش های این کشور و در قسمت مبارزه با جهل، فقر و محرومیت که ملت ما با آن پنجه نرم می کند باما دست همکاری می دهند و همآهنگی در این بخش یقیناً ثمربخش می باشد و هیچ نوع تشنجی ایجاد نمی کند، یقین داریم که این پروسه به صورت همآهنگ با تمام ارزشهایی که دارد هیچ دست ناپاکی از دور و نزدیک این را خدشه دار ساخته نمی تواند.

یقین داریم که دنیایی که به امنیت و بازسازی کشور ماعلاقه دارد و همکاری می نماید آنها متوجه این نکته هستند و باید هم باشند که این ملت از خود فرهنگی دارد، از خود خصوصیت و ارزش های دینی دارد؛ آن دینی که باهیچ فرهنگی اعلان جنگ نکرده و نمی کند.

از آنجایی که افغانستان به طرف جهانی شدن پیش می رود قرآن ما هم جهانی شدن را منحیث پیام الهی مطرح می کند و به همه ادیان و پیروان فرهنگ ها و تمدن های مختلف بخصوص دنیایی که معتقد به خدا و ایمان هستند از آنها می خواهد که همه یکجا با مسلمانان دست به دست همدیگر دهند و هیچ وقت اسلام طرفدار قتل و وحشت نبوده چنانچه پیغمبر«ص» می فرماید که، بشریت حیثیت یک خانواده را دارد، اگر قطرۀ خون ناحق می ریزد عرش خدا به لرزه می افتد.

به هر حال پیام این روز تاریخی را به تمام دنیا می رسانیم که، ملت افغانستان در حفظ ارزش های دینی، آزادمنشی و استقلال خواهی خود و در قسمت استحکام امنیت در مراحل مختلف تاریخی گامهایی مثبت برداشته اند قسمی که در مبارزه علیه اتحاد شوروی گام بلندی برداشتیم و پیروزی بزرگی هم در این راستا نصیب ملت ما شد با تأسف باید یاد کرد که یا کمبودی ها در خود ما بود و یا دست های ناپاکی از بیرون و یا عناصر کج فهم وکج اندیشی بود که مشکلات را ایجاد کردند و ما در شرایط کنونی یک بار دیگر احتیاج داریم به وحدت و همبستگی و وحدت میان همه اقشار افغانستان و همبستگی عملی در مابین مردم و دولت.

اگر مردم احساس کنند که بین ملت و نظام، و ارزش های دینی و فرهنگی کشمکش وجود ندارد، همه در جهت استحکام این ارزش ها کار می کنند همه در عرصه های مختلف همنوا هستند یقیناً وحدت سرتاسری به میان می آید.

افتخار این روز مربوط به همه افغانها و همه دوستان افغانستان که بار دیگر دست دوستی به افغانها داده اند می باشد. امیدواریم با استفاده از این افتخار و ارزش ها، آرمانهای شهدای خود را برآورده سازیم.

این روز را پیش پا افتیده تلقی نکنیم، و گرامی اش بداریم و آن را تجلیل کنیم و هدف این روز را در ضمیر خود و ملت خود برای همیش جا دهیم.

❊

طالبان در میدان بازی (قطر)



وحید مژده

از تقریبا دو ماه قبل، اخباری مبنی بر تاسیس دفتری برای طالبان در قطر به نشر رسید که عکس العمل های موافق و مخالف را برانگیخت. طالبان هم با تائید این اخبار، از اعزام تعدادی از افراد به عنوان نماینده به قطر خبر دادند.

در طول بیش از ده سال که از سرنگونی حکومت طالبان به دست نیروهای امریکایی می گذرد، این نخستین باری است که طالبان تمایل به مذاکره نشان داده و اراده کرده اند تا از حالت زیرزمینی بیرون آیند.

طبق اطلاعات موثق، قبلا مذاکراتی میان طالبان و امریکا در قطر و کشورهای دیگر صورت گرفته که در این مذاکرات بیشتر طیب آغا و شیرمحمد عباس استانکزی (معین وزارت امور خارجه در زمان حاکمیت طالبان) شرکت داشتند. استانکزی از جمله نظامیانی است که سابقهٔ تحصیل در هندوستان دارد و به همین دلیل حتی در زمان تصدی وی به حیث معین وزارت خارجه، پاکستانی ها به وی به دیدهٔ شک می نگریستند. در همان زمان گفته می شد که فشارهای پاکستان موجب گردید تا استانکزی از وزارت خارجه به وزارت صحت عامه منتقل گردد.

اینکه مذاکرات میان امریکا و این دو نمایندهٔ طالبان، سرانجام به تاسیس دفتری در قطر منجر گردیده است، هرگز نمی تواند برای پاکستان خوش آیند باشد. اما کار طوری صورت گرفت که این افراد با خانواده های شان به صورت قانونی از پاکستان به قطر رفتند. پاکستان نتوانست از این کار جلوگیری نماید زیرا از جانب امریکا به مخالفت با پروسهٔ صلح در افغانستان متهم می شد.

از نظر طالبان، مذاکراتی با این اهمیت، باید تحت سرپرستی و مدیریت یک عالم دین صورت می گرفت که رتبهٔ مولوی می داشت. مولوی شهاب الدین دلاور فعلا رئیس هیأت مذاکره کننده از جانب طالبان است و دیگران از این به بعد تحت سرپرستی وی کار خواهند کرد.

اما این مذاکرات هنوز هم در هاله ای از ابهام پنهان است. این افراد از لحظه ای که پاکستان را به مقصد دوحه ترک کرده اند، تا کنون رابطهٔ شان با خانواده های شان در پاکستان و رهبری طالبان قطع است. هیچ شمارهٔ تیلفونی برای تماس با آنها وجود ندارد. خبرنگاران شبکهٔ الجزیره و دیگر خبرگزاری ها تا کنون هیچ آدرسی از این دفتر به دست نیاورده اند.

شایعاتی در پاکستان به گوش می رسد که آنها فعلا در یک محل نامعلوم تحت نظارت اند و اجازهٔ تماس با دنیای خارج را ندارند. از اینجاست که طالبان مدعی اند، هنوز این مذاکرات به مرحلهٔ ابتدائی یعنی اعتماد سازی هم وارد نشده است.

حکومت افغانستان اعلام نمود که قصد دارد با طالبان درعربستان سعودی مذاکره نماید اما طالبان در مقابل، طی اعلامیه ای این مذاکره را رد کردند. در اعلامیهٔ طالبان آمده است: در این هیچ شکی نیست که عربستان سعودی مرکز حرمین و دیگر مقامات مقدس اسلامی است و ما به نگاه قدر و احترام به آن نگاه می کنیم اما در مورد راپوری که در مطبوعات به نشر رسیده و در آن از دیدار قریب الوقوع هیأت امارت اسلامی با نمایندهٔ ادارهٔ کرزی در عربستان سعودی خبر داده شده است، باید بگوییم که امارت اسلامی در جریان افهام و تفهیم با جامعهٔ جهانی، به مراحل مذاکرات با طرف مقابل (امریکا و ناتو) نرسیده است. بلکه قبل از مذکرات باید مرحلهٔ اعتماد سازی به تکمیل برسد که آن نیز تاکنون آغاز نگشته است.

هرچند رسانه ها به این اعلامیهٔ طالبان زیاد تمرکز نکردند درحالی که این اعلامیه از یک تغییر عمده در موقف طالبان نشاندهی می کند. موضع طالبان درمورد مذاکره با حکومت افغانستان قبلا کاملا روشن بود؛ که گفته بودند، حکومت کرزی یک حکومت دست نشانده است و ما هرگز با این حکومت مذاکره نمی کنیم.

اما در این اعلامیه، نرمی موقف طالبان کاملا محسوس است. آنها نمی گویند که حکومت کرزی دست نشانده است بلکه می گویند که هنوز مذاکره ای با امریکا و جامعهٔ جهانی صورت نگرفته است، بنابراین قصد ندارند قبل از اینکه با امریکا سر صحبت باز شود، با ادارهٔ کرزی به مذاکره بنشینند.

از جانب دیگر طالبان نمی خواهند نظر مساعد عربستان سعودی را نسبت به خود، با رد کامل مذاکره در این کشور خراب سازند. طالبان کم کم با قواعد بازی آشنا می شوند و می دانند که امریکا به نقش سعودی در افغانستان به عنوان پاکستان دوم می نگرد. بنابراین امریکا نخواهد گذاشت مذاکرات در قطر به شکست مواجه شود و سعودی جای قطر را بگیرد. استخبارات سعودی با آی اس آی رابطهٔ تنگاتنگ دارد و به این ترتیب بار دیگر پاکستان به عنوان کلید حل معضل افغانستان شناخته شود.

مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت العلمای پاکستان که در گذشته با طالبان رابطهٔ نزدیک داشت در سمینار روز سه شنبه ۳۱ جنوری که از طرف جماعت اسلامی پاکستان در شهر پشاور دایر شده بود گفت: ...تفاهم میان خود افغان ها بسیار ضروری است. فرقی نمی کند که ما حکومت کرزی را حکومت بدانیم یا ندانیم، تشکیل حکومت در افغانستان توسط کنفرانس بن را هرگونه که تعبیر کنیم و بگوئیم که این حکومت ساخته و پرداختهٔ کنفرانس بن است و بنابراین نمایندهٔ مردم افغانستان نیست. هرچند این مسئله یک حقیقت است اما (دو ژور) و (دو فاکتو) در روابط سیاسی وجود دارد. من به این باورم که اگر مذاکره با طالبان ضرور است پس مذاکره با حکومت کرزی نیز لازم است. برای مذاکره و حل مشکل باید افغان ها میان خود به مذاکره بپردازند و به تفاهم برسند. در مورد قانون اساسی افغانستان از مادهٔ اول تا آخر آن باید گفتگو صورت گیرد و این کار را خود افغان ها انجام بدهند.....

موضع گیری های جدید طالبان نشان از تمایل این تحریک به سوی سیاسی شدن دارد اما با توجه به بی تجربه بودن طالبان در این عرصه، این احتمال وجود دارد که با یک اشتباه کوچک و یک حرکت ناسنجیده، این تحریک به مشکلات داخلی مواجه گردد.

نیروی اصلی طالبان را فدائیان تشکیل می دهند. این گروه متشکل از کسانی اند که تاکنون بدون چون وچرا با نثار جان خویش از فرمان های رهبری اطاعت کرده اند. اگر این تصور به وجود آید که رهبری طالبان قصد معامله در عرصهٔ سیاسی با دشمن را دارد و به این ترتیب انگیزهٔ آنها تضعیف گردد، نخستین تاثیر بر فدائیان وارد خواهد آمد. چنین حالت می تواند تاثیر جبران ناپذیری بر نیروی رزمی طالبان وارد سازد.

اما واقعاً مذاکرات در قطر تا کجا جلو رفته است؟ شایعاتی به گوش می رسد که این مذاکره در همان آغاز به بن بست مواجه شد زیرا نمایندگان طالبان تاکید داشتند که باید به نام نمایندگان امارت اسلامی شناخته شوند و بیرق سفید رنگ طالبان به روی عمارت دفتر آنان برافراشته شود. در مقابل امریکایی ها تقاضا دارند که قبل از آغاز مذاکرات، باید طالبان آتش بس را بپذیرند.

در حالی که امریکا و طالبان هنوز این بازی را به صورت جدی آغاز نکرده اند، طالبان کمیسیون جدیدی به نام کمیسیون ارتباط ایجاد کرده اند. هدف از تشکیل این کمیسیون، ایجاد رابطه با جهت های مختلف افغان برای تبادل نظر در مورد آیندهٔ افغانستان است. کمیسیون ارتباط وظیفه دارد تا به نگرانی هائی پاسخ دهد که در مورد پیوستن این گروه به پروسهٔ سیاسی در میان مردم موجود است.

ریاست این کمیسیون به عهدهٔ معاون ملکی ملا محمد عمر، ملا محمد حسن آخند است که قبلا وزیر خارجهٔ طالبان بود. معاون این کمیسیون مولوی شمس الدین پهلوان از بدخشان است. او در زمان طالبان والی ولایت میدان وردک بود. هرچند هنوز زود است تا این کمیسیون با اپوزسیون حکومت در تماس گردد اما تماس با همه جهت ها از وظایف اساسی این کمیسیون خوانده شده است.

رهبری طالبان در تلاش است تا به غیرپشتون ها در داخل تحریک طالبان قدرت بیشتر داده شود زیرا بیشترین نگرانی از بازگشت طالبان در میان غیرپشتون ها وجود دارد اما این به معنی به پایان رسیدن انحصار پشتون ها در کادر رهبری طالبان نیست، تنها تحولی که در این عرصه رونما شده اینست به تدریج ساکزی های هلمندی نقش موثرتری را در رهبری این تحریک به عهده می گیرند.

تا کنون از طالبان به عنوان یک گروه جنگی نام برده می شد که تمایلی به مذاکره با دشمنان شان ندارند. اما با تحولات اخیر، به نظر می رسد که آنها قصد بیرون آمدن از این حالت را دارند و دریافته اند که مذاکرات صلح هم می تواند بخشی از پیروزی در جنگ باشد اما برای کسانی که از آغاز به میدان آمدن، عادت داشته اند تا از مذاکرات صلح برای پیشبرد اهداف جنگی استفاده نمایند، دوران چالش برانگیزی فرا رسیده است. تاکنون آنها هرگز در بازی حفظ تعادل میان سنگر جنگ و میز مذاکره، تجربه ای نداشته اند.

بازیگر دیگر این بازی یعنی امریکا، تلاش زیادی برای بخشیدن سرعت به بازی لااقل در سال جاری ندارد. جانب امریکا با طولانی ساختن بازی سعی خواهد کرد طالبان را خسته و در نتیجه چند پارچه سازد. بنابراین می توان گفت که طالبان بازی سختی را در قطر در پیش دارند.

د سلواغې شپږويشتمه...

شمیر کې لــه وژل شــوو انــسانانو څخــه (۱،۸۶۰،۰۰۰) تنــه بــوازې کــارګران وژلــې وو. او همداسې رويــه د هغــوی افغــاني يـارانو هـم لـه خپـل ولـس سـره وکـړه چـې د پـه زور کلـي کولـو ليـار يـې ونيولـه او د کمونستي يوچې فلسفې د تحکيم پـه منظـور يـې لـه يـو نـيم ميليـون څخـه زيات خپـل هيوادوال لـه ژونده محـروم کـړل. خو د انسانې فطـرت او طبيعـت مخالفـه کمونـستي ايډيالوژي پـه افغانـانو ومنـي خو دوی خپـل ولـس هـم نـه وو پيژنـدلی چـې لـه ويـرې يـې د مقدونې اسـکندر اراده هـم سـسته شـوې وه او د جنګيـز طلسم يـې مـات کـړی وو او د تـاريخ پـه مختلفـو پړاوونـو کـې يـې د هـيڅ ښـکيلاکګر پـه وړانـدې د تسلـيدو لپاره خپـل سـرندې تيـټ کـړی. کـه هغـه پخـواني ښـکيلاکګران وو، او کـــه د معاصـر تـاريخ انګليسـي او روسـيي ښـکيلاکګران، او يـا هـم د ګاونـډيانو دسيـسې وې او يـا دي او يـا هـم پـه حال او راتلونکي کې څوک غواړي چې افغان ولــس ښــکيل کــړي؛ ځکــه افغانــان کــه آزادی ساتلی نشي خو بيا هم لـه هـر چا څخـه يـې ګټلی شي او د هيچا برلاسي نه مني.

د سـلواغې شپږويـشتمه نيټـه زمـونږ د معاصـر تـاريخ هغـه زرينـه پاڼـه او ځمـونږ د مـدعی څرګنـد ثبـوت دی چـې تـل بـه يـې افغـان ولـس د وياړ پـه توګــه ژونــدۍ ســاتي، دا هغـــه ورځ ده چـــې د پخـواني شـوروي اتحـاد سـرې لـښکرې پکـې د خپلې مـاتې پـه منلـو سـره لـه ګـران هيـواد څخـه وتلـې وې او د آمـو لـه سـيند څخـه د پـورې وتلـو پـر مهـال يـې پـه خپـل تيـرې بانـدې پـښيمانتيا څرګندولـه او لـه ځانـه سـره يـې دا عبـرت ويـوړ چـې افغانـان پـه زور نـه ويلـې کيـږي او پـه خپلـو واکمنـانو او مفکرانـو يـې پـه زړه کـې لعنتونـه ويـل چـې دوی يـې پـه افغانـستان کـې پـردې پورتـه کـړې چـې دوی پـه افغانـستان د خپـل تيـرې بـه نتيجـه کـې شـرميدلی کـړل او لـه دغـو حقيقتونـو څخـه يـې بيـا ليکوالانـو هـم وروسـته پـه خپلـو ليکنـو کـې پـردې پورتـه کـړې چـې دوی پـه افغانـستان باندې پـه يرغـل کولـو سـره سـتره اشـتباه کړيـوه؛ ځکـه د افغـان ولـس سـره پـه ډغـره وهلـو سـره پخـواني شـوروي خپـل بـرم لـه لاسـه ورکـړ او پـه نتيجـه کـې يـې تـول ښـکيل کـړي ولـسونه، لکـه د زنځيـر د کړيـو پـه څيـر يـو د بـل پـسې آزاد او خپلواکـه شـول او خبـره دې تـه هـم ورسيده چـې پخپلـه د روسـې پـه ((مـسکو)) او ((ليـنن ګـراد)) ښـارونو کـې هـم خلکـو د ليـنن او سـتالين مجـسمې راکـوزې کـړې او پـه څلـور لارو کـې يـې راښـکلې چـې د دوی مفکـورو شـوروي لـه تباهۍ سره مخ کړ.

خو لـه بـده مرغـه چـې افغـان ولـس لا تـر اوسـه هم د اور پـه تبـې سـوځي او پـه خپلـو کـې د بـې اتفاقۍ لامله لا تر اوسـه هـم لـه بـشپړ امنيـت څخـه برخمن نـدي چـې بايـد پـه خپـل سياسـي بـصيرت او درايـت سـره ځانونـه لـه نـوو ګواښـونو او سـتونزو څخـه هـم خـلاص کـړي او د پراخـه عـزم بـه برکت د ملـي وحدت د ليـار پـه نيولـو سـره ځانونـه لـه ورپيښـو کړاوونـو او حالـت څخـه هـم وباسـي او کـه دا توانمنـدي لـري چـې خپلـواکۍ ګټلـی شـي: نـو چـې پـه ځانونـو کـې د خپلـواکۍ د سـاتلو توانمندي، پوهه او وړتيا هم پيدا کړي.

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح



کارگاهِ عجز

شد زازل چهره گشا عجز ز پیدایی ما
مو نه نهد پای نمو تا قدم از سر نکند

تصویرعمومی ومفهوم:

طوری که دراولین نوشتهٔ این سلسله تذکر داده شده بود، که حضرت بیدل رح درقسمت عجز، که البته نه به مفهوم فرودستی وخویشتن را ذلیل شمردن، بل که به مفهوم ضد تکبر وغرور است، توجه جدی دارد. زیرا،وی عجز را نشا نهٔ کمال میداند. یعنی به هراندازه، که حالت عجز وتسلیمی به مقدرات خداوندی درضمیر ومشا عرسالک، رسوخ کند، به همان اندازه به معراج حقیقی وکمال معنوی نزدیک میشود. زیرا، طغیا نها، بغا وتها وعصیا نها همه نا شی از غرایزغضبا نی، حیوانی وشهوانی است، که مطا هراین همه غریزه ها به شکل تکبر، غرور وتفوق طلبی وبراعت جویی تبارز نموده وفرد را به جا نب سرکشی وتکبر وسرانجام به سوی هلاکت میکشا ند.

آری، برای انسان، یگا نه گوهر زیبنده هما نا«عجز» است. زیرا، این حالت، موافق به صفت انسان است ومسلماً درصورت خلاف ازحالتی، که موافق صفات اوست، اعتدال به هم میخورد ونتایج آن بدون شک اعمالیست، که انگیزهٔ آن جزتکبر، غرور وخود خواهی چیز دیگری نخواهد بود.

روی این اصل، بیدل رح نکته های نهایت جالب وعمیق دربارهٔ عجزانشاء فرموده است. درریاعی ذیل توجه فرمایید!

بیدل به سجود بنده گی توأم باش
تا بارنفس به دوش داری خم باش
این کارگهٔ عجز که درطینت توست
الله نمیتوان شدن آدم باش

چون درطینت وسا ختمان انسان کارگاه عجز هویداست، پس چه لازم، که انسان کبریایی راکه خاصهٔ خداوند است، به خود، صفت قراردهد. پس به اساس این کارگهٔ عجزمحال است، که بتوانیم خود را به مقامی برسا نیم که صفت کبریا یی منا سب وزیبنده برای ما با شد. بناءً باید«آدم» با شیم. یعنی کسی که رفتارش موافق با صفات وصلاحیتش با شد.

حضرت بیدل رح بیتی را که منظورنظرما ست، ازاین کارگاه عجزکه درطینت انسان موجود است، یکی را به طور نمونه ذکر میکند وبا چه مهارت شا عرانه، مطلب را ادا مینماید،

بدین مفهوم:

ازچهره، هیکل وجلوهٔ انسان از روز پیدایی، عجز، چهرهٔ خود را گشوده است. یعنی ازروز اول درفطرت وطینت انسان علایم عجز عجین شده است. مثلاً:«موی» با وجودی که سمبول ضعیفی ونا چیزی است، ناز هم تا وقتی که درفرق انسان که بلند ترین اعضای انسان است، پا نگذارد به نموی خویش شروع نمیکند. یعنی این که موی با همه نا چیزی اش برفرق انسان قدم میگذارد ونمومیکند. البته غیرشا عرانهٔ این مطلب واضح است، که آن عبارت از موجودیت مو درسر است، که مفهوم عادی را بیدل رح رنگ شا عرانه بخشیده وبا مبالغهٔ نهایت ظریف وجذاب آن را ادا نموده است.

الفاظ وکلمات:

درمصراع اول استعمال کلمهٔ ازل به معنی مجازی است نه حقیقی. ازل عبارت ازعدم اولیت است، درست مقابل ابد، که دراین صورت نمیتوان آن را درقسمت قدامت مربوط به ما سوی الله استعمال کرد. بل که مفهوم مجازی ازل دراین بیت مراد است، که عبارت از همان لحظه است، که انسان ازکتم عدم پا به عرصهٔ وجود میگذارد.

درمصراع دوم برعلاوهٔ این که انتخاب کلمات واستعمال آنها به جاهای منا سبش ظریف وشا عرانه صورت گرفته، دارای صنایع زیبای بدیعی نیز میبا شد.

کلمات«مو ونمو» با تجانسی که با همدیگردارند، دارای لطا فت خا صی اند وهمچنان کلمات«پا»، «قدم»«سر» و«مو» صنعت مراعات النظیررا، که اززیبا ترین صنایع بدیعی است، تشکیل میدهد.

دراستعمال کلمهٔ ازل برای چهره گشا بودن عجز را بیان می کند.

خلاصهٔ مفهوم بیت:

از روز اول پیدایی ما، عجز نیز در قیافه و ساختارما چهره گشا و جلوه گر است. چنا نچه مویی که ضعیفترین ونا چیزترین اشیا وموجودات است، تا قدمش راازتارک ماآغازنکند، نمونمیکند واین بزرگترین کارگاه عجز است، که درجلوهٔ ما ظا هر است. یعنی عزیزترین وعالیترین جزء بدن که عبارت از«تارک» است، زیرپای ضعیفترین ونا چیزترین مخلوق«مو» قرار دارد.

❋

سعدی و ادبیات عرب

استاد عبدالعلی کوهی

قسمت دوم و پایانی

سعدی شاعر ذو لسانین است، تحصیلات او به زبان عربی بوده و به دو زبان فارسی و عربی تکلم مینموده است. سعدی همواره به مطالعه قرآن کریم، حدیث، شعر و ادب عربی میپرداخته است. گفته میشود که سعدی در عربی نویسی متاثر از فارسی است و مورد های تاثیر عربی در فارسی نویسی سعدی دیده میشود؛ اما نه آنقدر که از آن گمان برده شود او تعبیر های فارسی را در عربی بکار برده است؛ طوریکه در نثر او میخوانیم: "در میان آنان ستایشگری نیست که حق ثنای او را بجای آورد". با پیشرفت اسلام در بسیاری از قلمرو خلافت اسلامی زبان عربی به عنوان زبان رسمی و دیوان اداری به شمار آمد. عرب ها توانستند با ظهور اسلام زبان عربی را که زبان قرآن و شریعت است، در خراسان و ایران گسترش دهند. علاوه بر آن مناطقی که در شرق اسلامی، ایران و خراسان به دین اسلام گرویده بودند به هنر آفرینی به زبان عربی همت گماردند. و در بین آنان شاعران و ادیبان ممتازی ظهور پیدا کرد که یا خراسانی تبار بودند و یا حاصل ازدواج بین دو نژاد؛ مثل: اسمعیل بن یسار، بشار بن برد تخارستانی، ابی نواس، مهیار دیلمی و ... و در این مسیر در قرن چهارم و پنجم طبقه یی به وجود آمد که همت اصلی آنان ادبیات، شعر، فلسفه و علوم دینی بود. بدون شک و به یقین استاد اجل و سخن سنج ممتاز و عالی مقام، سعدی شیرازی نماینده بسیار خوب در آمیختگی فرهنگی و ادبی بین ادب فارسی و عربی میباشد. سعدی در غزل های خود به زبان عربی بیت هایی دارد که در آنها مانند ابوتمام به عبارت های نیرومند و بر انگیزاننده روی میآورد که خواننده را تسخیر میکند. باید گفت که سعدی خود را شاعر زبان فارسی میداند، نه عربی. و به همین دلیل در مرثیه المعتصم که از موفق ترین شعر های عربی اوست، در اخیر قصیده بیت هایی دارد که به علت اهمیت آن در اینجا ذکر می شود:

و ما الشعر ایم الله لست بمدع
و لوکان عندی ما ببابل من سحر
هنالک نقادون علماً و خبرهٔ
و منتخبو القول الجمیل من الهجر
جرت عبراتی فوق خدی کابهٔ
فأنشأت هذا فی قضیهٔ ما یجری
و لو سبقتی سادهٔ جل قدرهم
و ما حسنت منی مجاوزهٔ القدر
ففی السمط یاقوت و لعل و حاجهٔ
و إن کان لی ذنب یکفر بالعذر

(با وجود همه نقادان و خبره گان شعر عربی، من در شعر شما ادعایی ندارم و این قصیده را از سر درد بوده است که سروده ام. میدانم که شاعران بزرگ عرب پیش از من در مرثیه مستعصم داد سخن داده اند و برای من زیبنده نیست از حد خود تجاوز کنم و امیدوارم این عذر خواهی پرده پوش گناه مان باشد).

اما این لحن سعدی، همان لحنی نیست که هنگام سخن گفتن از شعر فارسی خود بکار میبرد.

جهان به تیغ بلاغت گرفتی ای سعدی
سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست

سعدی به حق و با داوری درست حوزه شعر خود را زبان و ادب فارسی میداند. در اینجا چند بیت سعدی را در یک قصیده عربی ذکر مینمائیم:

إن لم أمت یوم الوداع تأسفا
لاتحسبونی فی المودهٔ منصفا
من مات لا تبکوا علیه ترحما
و ابکوا لحی فارق المتألفا

(اگر روز وداع یاران از زیادت اندوه جان نسپارم و نمیرم، مپندارید که من داد دوستی را داده باشم. برای آنکه مرد دل مسوزانید و مگریید، بر آن زنده گی یی بگریید که از یار همدمی جدا شده و دور مانده است. سعدی یا شکیبایی پیش گیر گو اینکه شکیبایی کردن در عشق جز به خود بندی چیزی نیست).

طوریکه در این غزل دیده میشود، قصیده دارای یک سلسله ممیزاتی است که او را در قطار شاعران عربی همقطارانش قرار میدهد. مثلاً قصیده دارای وزن و قافیه است و با بحر عروضی "مستفعلن مستفعلن متفاعلن" عربی بنا یافته است. کلمه ها و واژه ها در نهایت وضوح و سهولت قرار گرفته است و در آن غموض و ابهام وجود ندارد. قصیده دارای زیبایی ظاهری و معنوی میباشد و دقت تعبیر در این قصیده فراموش نگردیده است. تصویر سازی در این قصیده در حد اعتدال جای گرفته است. کلمه ها با دقت تمام در غزل بنا نهاده شده است. غزل تا پایان از یک موضوع حکایت مینماید که آن عشق و دلداده گی است که به آن در ادبیات عربی بنام وحدت عضوی نام نهاده شده است که قصیده و یا غزل از یک موضوع واحد باید خارج نگردد که اینها همه در غزلیات و قصاید سعدی مقام اول را دارد. بدون شک تاثیر متقابل بین ادبیات و شعر فارسی و عربی از نوادر ادبیات جهان محسوب میگردد و استاد سخن سعدی نماینده بسیار خوب در آمیختگی فرهنگی و ادبی بین زبان فارسی و عربی به شمار می آید. مجموعه آثار فارسی سعدی اعم از نظم و نثر مانند بوستان و گلستان، مجالس پنجگانه، نصیحت الملوک، رساله عقل و عشق، قصاید، مراثی، ترجیحات، مجموعه غزلیات و اشعار عربی آن از جمله هدیه یی گران سنگی است که در ادبیات عربی و فارسی جای و مقام خاص دارد. سعدی می تواند بین ملت های عرب و فارسی زبان نقطه یی وصل گردد که این ملت ها را با هم نزدیک میسازد. باید سعدی را پاس داشت و از سخنان گران سنگ آن که همه اش پند و عبرت، درس علم و اخلاق است در اموری فردی و اجتماعی از آن استفاده معقول و به جا نمود. خواندن اشعار سعدی زانگار کدورت و بد بینی را از انسان می زداید و انسان را به سوی کمال فرامی خواند.





Бур{онуддин Раббонӣ: “Ва{дат як зарурат аст”

Бур{ониддини Раббонӣ, раиси хум{ури собиги Афѓонистон, ба унвони аввалин суханрон дар маросими 23-ин Конфронси тагриби мазо{иби исломb гуфт: “Шакке нест, ки ва{дат миёни уммати ислом на тан{о як вазифа, балки як зарурат ва ниёзи мубрам аст”...

آنچه می خوانید، فشرده ای از سخنرانی استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور پیشین و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی (۳ مارچ ۲۰۱۰) میلادی در جمهوری اسلامی ایران است، درین سخنرانی به وحدت امت مسلمه تاکید شده، اخیراً در نشریهٔ ملت چاپ تاجیکستان به نشر رسیده است، که بدون تصرف نشر می گردد. «اداره»

استاد برهان الدین ربانی شهید صلح:

وحدت یک ضرورت است

استاد برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهور سابق افغانستان، به عنوان اولین سخنران در مراسم ۲۳ مین کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی گفت: «شکی نیست، که وحدت میان امت اسلام نه تنها یک وظیفه، بلکه یک ضرورت و نیاز مبرم است».

استاد برهان‌الدین ربانی سه‌شنبه ۳ مارچ ۲۰۱۰ میلادی در آغاز سخنرانی خود، از کشور ایران و آیت‌الله محمدعلی تسخیری (رئیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) برای ایجاد برادری میان مسلمانان و تلاش در زمینهٔ وحدت، قدردانی کرد.

رئیس جمهور سابق افغانستان اظهار داشت: «اساس اسلام بر مبنای وحدت میان امت اسلام می‌باشد و اسلام وحدت را به عنوان یک اصل نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای همهٔ انسان ها می‌شمارد و این مسئله در طول تاریخ مایهٔ خیر و سعادت میان مسلمانان و غیر مسلمانان بوده‌است».

استاد ربانی افزود: «**با نگاهی به تاریخ، به این نکته پی می‌بریم، که پیامبر اسلام (ص) در آغاز با ایجاد حکومت اسلامی و با حمایت از مسلمانان و یهودیان و دادن امتیازات شهروندی به آنان، بر اصل وحدت تأکید کرده‌اند و تا زمانی که یهودیان علیه مسلمانان خیانت نکردند، حقوق آنان همواره نزد اسلام محفوظ بوده‌است**».

استاد تأکید کرد: «**پیشرفت های امت اسلام تنها زمانی که مسلمانان در کنار یکدیگر متحد بوده‌اند اتفاق افتاده است و مشکلات میان آنان نیز از زمانی که به افتراق و اختلافات در جهان اسلام دامن شد، آغاز شده‌است**».

رئیس جمهور سابق افغانستان همچنین افزود: «البته اختلاف و تعدد مذهبی در اسلام امری محرم نیست، اما چیزی که نارواست نزاع و کشمکش است، که اساس دینی و انسانی ندارد».

وی تصریح کرد: «فرقه هایی، که هم اکنون در برخی از کشورهای اسلامی دیده می‌شوند، در نهایت به جنگ و کشمکش های خونین منجر می‌شوند».

استاد ربانی افزود: «**عوامل زیادی در به وجود آمدن این کشمکش ها تأثیر گذار اند، که باید توسط علمای این کشورها مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای برطرف کردن آن ارائه شود**».

استاد، یکی از این عوامل را سطحی نگری و عدم تعمق در تفسیر قرآن و سنت دانست و اظهار داشت: «سطحی نگری در تفسیر قرآن و سنت، موجب می‌شود تا مسلمانان در برابر فرقه‌های دیگر با خشونت رفتار کنند».

استاد ربانی در ادامه افزود: «یکی دیگر از عوامل بروز درگیری میان مسلمانان، تنگ نظری است، که متأسفانه نه تنها در بین عوام، بلکه میان برخی از علمای اسلام نیز دیده می‌شود، به شکلی، که اگر یکی از علما نظری را ابراز کند، که با نظرات علمای دیگر مغایر باشد، آن را تکفیر می‌کنند».

استاد ربانی تأکید کرد: «یکی دیگر از عوامل بروز درگیری ها، سوء استفادهٔ سیاستمداران از اختلافات موجود میان مسلمانان است. آنان با اصل تفرقه بی‌انداز و حکومت کن»، از چنین اختلافاتی علیه مسلمانان سوء استفاده می کنند.

استاد گفت: «**برای حل مشکلات اگر روش درستی اتخاذ شود، می‌توان به فرقه گرایی در جهان اسلام پایان داد، چنان که در تاریخ اسلام نیز می‌بینیم. حضرت علی (رض) بعد از جنگ جمل با خویشان منافقین به درستی و با عطوفت رفتار می‌کردند و برای جلوگیری از بروز تفرقه در اسلام، آنان را برادر خود خطاب می‌کردند**».

رئیس جمهور سابق افغانستان ادامه داد: «نمونه‌های زیادی در زندگی امامان اسلامی در طول تاریخ وجود دارد، که نشان می‌دهد تا چه اندازه امامان معصوم در حق مردم گذشت می‌کردند و هیچ گاه عقیده و نظر خود را بر مسلمانان تحمیل نمی‌کردند».

وی در پایان افزود: «**باید بدانیم، که یکی از خطرناکترین دسیسه های دشمن علیه مسلمانان، دامن زدن به همین تفرقه‌ها و اختلافات فکریست، که متأسفانه با بی‌توجهی، به درگیری های بسیاری در جهان اسلام منجر می‌شود**».

❋

پیامبر (ص) از ولادت تا هجرت به حبشه

داوری پیامبر (ص)

زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم ۳۵ سال داشت، قریش تصمیم گرفتند تا خانه ای کعبه را بازسازی نمایند: قضیه ای باز سازی خانه ای کعبه از این قرار بود که بر اثر سیلی که در «مکه» اتفاق افتاده بود، نزدیک بود تا منجر به ویرانی و نابودی خانه ای کعبه گردد. قریش که به خانه ای کعبه احترام خاصی قایل بودند، تصمیم گرفتند بنای آن را بازسازی نمایند. ابتدا آنان می ترسیدند که مبادا خداوند به خاطر ویران نمودن خانه ای کعبه آسیبی به آنها برساند و از طرفی دیگر اگر خانه ای کعبه بازسازی نمی شد، بنای آن کاملاً فرو می ریخت. سر انجام «ولید بن مغیره ی مخزومی» کار را شروع نمود و دو رکن اصلی کعبه را ویران کرد و گفت: بار خدایا! ما جز کار خیر هدفی نداریم». بعد از آن ساختن هر قسمتی از کعبه را به یک طایفه سپردند. کار ساخت و باز سازی کعبه تمام شده بود و تنها نصب «حجرالاسود» باقی مانده بود. از آنجایی که افتخار نصب «حجر الاسود» نصیب هر قبیله ای که می شد، امتیاز خاصی نسبت به قبایل دیگر پیدا می نمود، قبایل مختلف با هم در گیر شدند و این در گیری چهار و یا پنج روز طول *کشید و نزدیک بود که بین آنها جنگی سخت و ویرانگر اتفاق افتد. بالآخره «ابو امیه بن مغیره ای مخزومی» به آن ها پیشنهاد کرد که نخستین کسی که وارد خانه ای کعبه گردد، در ارتباط نصب «حجرالاسود» هر چه گوید دیگران قبول کنند. همه ای قبایل این پیشنهاد او را پذیرفتند و در انتظار این بودند که چه کسی وارد خواهد شد. خداوند جل جلاله این گونه اراده کرده بود که این افتخار نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم گردد. وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم نزدیک خانه ای کعبه شد، همه نگاه ها متوجه او بود و از این که فردی امین و درستکار وارد شده است، بسیار خوشحال بودند و در انتظار بودند که پیامبر صلی الله علیه وسلم چگونه داوری خواهد کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی که از ماجرا اطلاع پیدا کرد، عبای خود را پهن نمود و آنگاه دستور داد که هر یک از سران قبایل گوشه ای از آن عبا را بگیرند و بالا بیاورند. هنگامی که نوبت به نصب «حجرالاسود» رسید، با دستان مبارک خود، سنگ را در جای مخصوص آن قرار داد و به این ترتیب با درایت و زیرکی خویش به جنگ و جدال میان آنان (قریش) خاتمه داد.

خصوصیات پیامبر (ص) قبل از بعثت

پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از این که به پیامبری مبعوث گردد، دارای خصوصیات و ویژگی های بسیار نیکو و پسندیده بود، صداقت و درستکاری پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سر زبان ها و زبانزد خاص و عام گردیده بود و همهٔ مردم قریش، ایشان را با نام محمد امین می شناختند. او همانند دانشمندی با خرد و توانا به آیات و نشانه های قدرت و عظمت الهی تفکر می کرد و با سکوت های طولانی به راز و نیاز با پروردگار خویش می پرداخت. شراب نمی نوشید و اگر قریش، کار خیر و نیکی انجام می دادند، آنان را یاری می نمود و اگر کار زشت و ناروایی انجام می دادند، از آنان روی گردان می شد. با همنوعان به نیکی و خوشی رفتار می کرد و به درد دل های دیگران گوش می داد. از سن سی و پنج سالگی به عزلت و گوشه نشینی می پرداخت و بیشتر اوقاتش را در غاری به نام «حراء» سپری می نمود تا این که روزی از روزها، حادثه ای برایش اتفاق افتاد که هرگز با آن مواجه نشده بود و حتی انتظار آن را نداشت.

نزول وحی بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم با خدیجه همراه با خوشبختی و سعادت سپری می شد و هر چه پیامبر صلی الله علیه وسلم به سن چهل سالگی نزدیک تر می شد، ویژگی های روحی و اخلاقی او مترقی تر می گردید. پیامبر صلی الله علیه وسلم هر سال ماه رمضان را در غار حراء که در کوه «نور» واقع شده بود، سپری می نمود، اما در این سال پیامبر صلی الله علیه وسلم با غار حراء انس و الفت بیشتری پیدا نموده بود و روح پیامبر صلی الله علیه وسلم به گونه ای متعالی شده بود که رؤیا های صادقانه را مشاهده می نمود و هرچه در خواب می دید، به وقوع می پیوست.

آری! خداوند جل جلاله اراده کرده بود تا لطف بی نهایت خودش را مشمول جهانیان سازد و پیامبر صلی الله علیه وسلم را به عنوان «خاتم الانبیاء» قرار دهد و دین را به وسیله ای او کامل گرداند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از روزها که برای راز و نیاز به غار حراء رفته بود، باشخصی روبرو گردید که هرگز او را ندیده بود و آن شخص کسی جز «جبرئیل امین» نبود. حضرت جبرئیل علیه السلام دراین روز حامل یک پیام بسیار بزرگ و نوید بخش برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود و آن پیام این بود که «ای محمد! بشارت و مژده باد تورا که من جبرئیل هستم و تو پیغمبر خدا به سوی این امت هستی».

آنگاه جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «اقرأ» (بخوان) پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: «ما انا بقاری» (من خواندن را نمی دانم). جبرئیل علیه السلام به گونه ای بسیار محکم، پیامبر (ص) را فشار داد و آنگاه گفت: بخوان به نام پروردگارت که همه ای جهان را آفریده است. انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان، پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است. از آنچه تو می پنداری، همان خدایی که به وسیله ای قلم انسان را تعلیم داد و به او چیز هایی آموخت که نمی دانست». ادامه دارد

گزارشی از سمینار پشاور، تحت عنوان

(اوضاع افغانستان، تاثیر آن بر منطقه و راه های حل)

راوی



قاضی حسین احمد:

هدف از تشکیل این سمینار، بحث روی این مسئله است که، بعد از خروج امریکا از افغانستان، این کشور چگونه باید از مشکلات رهائی یابد و تاکید ما بر اینست که افغان ها از طریق تفاهم با همدیگر می توانند این مشکل را حل کنند و مداخلات خارجی باید قطع گردد.

روز سه شنبه ۳۱ جنوری سمیناری از طرف (ادارهٔ فکر وعمل) که یک نهاد تحقیقی در مسایل سیاسی و مربوط جماعت اسلامی پاکستان است در هوتل پرل کانتی ننتال پشاور دایر شده بود که در آن تعدادی از فعالان سیاسی، تحلیلگران وروزنامه نگاران از دو کشور افغانستان و پاکستان شرکت داشتند.

جلسه ساعت ۲ بعد از ظهر با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد. سناتور قاضی حسین احمد سابق امیر جماعت اسلامی پاکستان با سخنان خویش این سمینار را افتتاح کرد. وی در مورد ادارهٔ فکر وعمل گفت که، هدف از تشکیل این نهاد، ایجاد هماهنگی میان احزاب مختلف در مسایل مهم ملی و منطقوی است. وی گفت که قرار است تا پنج سمینار در شهرهای مختلف پاکستان دایر گردد و این سمینار، نخستین از آن سلسله است.

وی در ادامه گفت که مشوره حکمت است و از طریق مشورت، تفاهم به میان می آید و هدف از تشکیل این نهاد هم اینست که هرکس از هر مکتب فکر با هم به بحث بنشینند و دیگران آنرا بشنوند.

ایجاد هماهنگی در مسایل سیاسی ممکن است و مسئلهٔ افغانستان از مسایلی است که تمام منطقه و به خصوص پاکستان از آن متاثر شده است. مسلمانان نیم قارهٔ هند همیشه به افغان ها به دیده امید نگریسته اند. احمدشاه ابدالی مسلمانان هند را نجات داد.

هدف از تشکیل این سمینار، بحث روی این مسئله است که بعد از خروج امریکا از افغانستان، این کشور چگونه باید از مشکلات رهائی یابد و تاکید ما بر اینست که افغان ها از طریق تفاهم با همدیگر می توانند این مشکل را حل کنند و مداخلات خارجی باید قطع گردد.

سخنران بعدی جنرال حمید گل رئیس سابق آی اس آی بود که گفت، من از صحبت در محافل در بارهٔ افغانستان خودداری نموده بودم زیرا از آن بیشتر برداشت منفی شده است. افغانستان عزیز ماست و بعد از دوران تقاعد، سعی من این بوده است تا در این کشور صلح برقرار گردد. صلح در افغانستان به معنی صلح در پاکستان است.

وی با صراحت گفت که امریکا در افغانستان شکست خورده است اما نمی خواهد شکست را قبول کند. فرستادن لشکر به کشورهای دیگر برای امریکا آسان و بیرون آمدن مشکل است.

مردم افغانستان در دو مورد حاضر به معامله با هیچ قدرتی نیستند نخست آزادی و دیگری عزت شان. این دو، با خواست امریکا در تناقض است.

در رابطه با دفتر قطر برای طالبان، جنرال حمید گل گفت که، امریکا با (بای پاس) نمودن پاکستان، این کار را انجام داد. من به این باور هستم که مذاکرات قطر ناکام خواهد شد زیرا امریکا اهداف دیگری دارد و در برقراری صلح در افغانستان صادق نیست.

وی گفت که، طالبان در دوران حاکمیت شان خطاهای بزرگ مرتکب شدند. تطبیق شریعت به شکلی که طالبان انجام دادند از جمله مردم را به زور به مسجد برای نماز بردن و کارهائی از این قبیل، فرصت تبلیغات سوء علیه اسلام را برای دشمنان فراهم کرد.

امریکا به خاطر جنگ با القاعده به اینجا نیامده است. مبارزه علیه تروریسم، خنجری به سینهٔ دنیای اسلام است و پاکستان باید از همکاری با امریکا دست بردارد. ما باید امریکا را وادار سازیم که دست از سر این منطقه و افغان ها بردارد.

سخنران دیگر انجنیر احمد شاه احمد زی بود که به خروج کامل نیروهای اجنبی از افغانستان و قطع مداخلهٔ کشورهای دیگر در امور داخلی افغانستان تاکید نمود و راه حل این معضل را در اتحاد میان تمام گروه ها و اقوام افغانستان دانست. وی موقف جبههٔ وحدت ملی و مخالفت با پایگاه های خارجی در افغانستان را برای تامین صلح و امنیت در افغانستان توضیح نمود.

سخنران بعدی داکتر غیرت بهیر بود که موقف حزب اسلامی افغانستان به رهبری انجنیز حکمتیار را توضیح نمود و گفت که، وضع موجود در افغانستان به سال ۱۹۸۹ شباهت دارد و حکومت کابل بدون حمایت خارجی توان ماندن بر اریکهٔ قدرت را ندارد. ما با حکومت کابل و امریکائی ها مذاکره کردیم. در این مذاکرات، امریکا جواب مثبت به خواست ما نداد. خواست ما خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان است و امریکا باید به ارادهٔ ملت افغان احترام بگذارد. در مذاکرات متعدد با دولت کابل به این نتیجه رسیدیم که این دولت اراده ای از خود ندارد.

سخنران بعدی سراج الحق امیر جماعت اسلامی در صوبهٔ سرحد بود. وی گفت که پاکستان بعد از شکست روس در افغانستان، مسوولیت خود را ادا نکرد و خواست تا حکومت مورد خواست خود را در افغانستان مستقر سازد. رهبران جهاد مرتکب اشتباهات بزرگ شدند. اگر آنها با هم متحد می شدند، هیچ خارجی توان تخریب دستآوردهای جهاد را نمی یافت.

سخنران بعدی سلیم صافی بود. وی گفت که اگر ما گمان می کنیم امریکا در افغانستان شکست خورده است، طرف پیروزی را هم در این جنگ نمی بینیم. افغانستان و پاکستان هم شکست خورده اند. در این جنگ اسلام بدنام شد، پاکستان بدنام شد و پشتون ها بدنام شدند.

جنرال های پاکستانی وضع را در افغانستان خراب کردند و درافغانستان هرگروه جنگ کشور دیگری را پیش می برد. من آرزو دارم تا حکومت طالبان در کشورما نیز برقرار گردد تا جنرال صاحبانی را که از طالبان دفاع می کنند، مجبور سازند تا ریش های دراز بگذارند.

سخنران بعدی بیرستر پاچا از فعالان نشنل عوامی پارتی بود. وی موقف قبلی نشنل پارتی را تکرار کرد که جهاد افغانستان جنگ میان روس و امریکا بود و قاضی حسین احمد در رد سخنان وی مطالبی بیان کرد.

شیخ الطاف الرحمن بنوری و جنرال محمود شاه از سخنرانان دیگر این سمینار بودند که سخنانی در محکومیت امریکا و حکومت پاکستان گفتند.

هارون الرشید از رهبران جماعت اسلامی گفت که، بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان، ما نیت نیک نداشتیم و از جانب دیگر از همان آغاز کار، تامین امنیت و صلح در افغانستان در آجندای امریکا نبود.

به خاطر همین رویهٔ ما بود که امروز افغان ها از پاکستانی ها نفرت دارند و این نفرت به حد اعلا رسیده است. افغان ها حق به جانب اند. ما باید از این اعمال دست برداریم، این پالیسی را تغییر دهیم و باید تلاش نمائیم تا اعتماد افغان ها را به دست آوریم. افغان ها هم از تجارب سال های گذشته درس گرفته اند.

ایاز وزیر و داکتر عبدالمتین استاد پوهنتون پشاور از سخنرانان دیگر این سمینار بودند. سخنران دیگر این سمینار مولانا فضل الرحمن امیر جمیعت العلمای اسلام پاکستان بود. او این ادعا را نادرست دانست که گویا پاکستان در مذاکرات قطر نقش دارد. وی گفت: من خود افغانی هستم، خون من افغانی است. پدرکلان من از افغانستان (به پاکستان) آمده است. تمام این روابط مرا با افغانستان پیوند می دهد. اما امروز من دو کشور پاکستان و افغانستان را به حیث کشورهای مستقل می شناسم.

در این رابطه باید این حقیقت را بپذیریم که با وجود تمام تسلسل تاریخی، حتی بعد از تقسیم نیم قارهٔ هند، افغانستان به عنوان یک دولت، با هند بیشتر نزدیک بوده و با پاکستان روابط نزدیک نداشته است. ... بعد از آمدن امریکا، ما بدون فکر و تدبیر درست، بدون یک لمجه مشورت، به همکاری استراتژیک با امریکا فیصله کردیم. ما در این جنگ در افغانستان، متحد امریکا شدیم، ما قبلا هم متحد امریکا بودیم اما آن اتحاد از زاویهٔ دیگر بود. اما اکنون که ما متحد استراتژیک امریکا هستیم، این اتحاد استراتژیک با امریکا از زاویهٔ دیگر است.

اکنون ده سال از آن روز می گذرد و امریکا از خروج نیروهای خویش در سال ۲۰۱۴ سخن می گوید. چهارده سال دوران نفوذ مستقیم شوروی در افغانستان بود و چهارده سال نفوذ مستقیم امریکا بر افغانستان در سال ۲۰۱۴ به پایان می رسد. در دوران این جنگ چهارده ساله (در همکاری با مبارزه علیه تروریسم) پاکستان سرمایه گذاری کرد و نیروی خود را به مصرف رسانید. اما اکنون می بینیم که یکبار دیگر قادر به بهره برداری از نتایج این سرمایه گذاری نیست و با کمال تاسف باید گفت که، نتیجه ای از آن به دست نیاورد و پاکستان در این میدان به انزوا کشانده شد.

امروز امریکا در ایجاد رابطه با طالبان موفق شده و در کنار نهادن پاکستان از این مذاکرات نیز موفق شده است. از این ناکامی، به پاکستان صدمه رسیده است. ما در عرصهٔ سیاسی فعال هستیم و مسایل را تحلیل می کنیم. در طول یک سال گذشته ما شاهد واقعات مختلف بودیم. اگر در واقعهٔ ماه می بود (منظور کشته شدن اسامه بن لادن است) یا گروه حقانی یا حمله به پوستهٔ سرحدی. پاکستان از حل مشکل خود با امریکا ناتوان شد. امریکا پاکستان را از خود دور کرد و طالبان به امریکا سپرده شدند و از کنترول پاکستان خارج گردیدند.

من از این موقف طالبان آگاه بودم که آنان به این باور بودند که امریکا این جنگ را بر ما تحمیل کرده است و مذاکره هم باید با امریکا صورت گیرد. در این سخن یک جهان معنی پنهان است.

این که چرا پاکستان در پایان آن جنگ چهارده ساله (علیه اتحاد شوروی در افغانستان) ناکام شد و چرا پاکستان بعد از پایان جنگ چهارده ساله (با امریکا در افغانستان) ناکام است، موضوع جداست. اما من می گویم که اگر مشکل افغانستان از راه مذاکره حل می شود، ما نه تنها از آن حمایت می کنیم بلکه، داعی این حرکت و مذاکره هستیم.

تا آنجا که مسئله به افغانستان رابطه می گیرد، آنچه را که برای خود می پسندیم، باید برای دیگران نیز بپسندیم. اگر ما در پاکستان سخن از حکومت منتخب می گوئیم، ما می خواهیم که در افغانستان نیز یک نظام منتخب و با مشارکت مردم برقرار باشد.

من با طالبان با شوخی گفتم: شما حکومت تان را حکومت می گوئید اما من این را حکومت نمی گویم بلکه، این قبضه (حکومت از راه زور) است. برای حکومت کردن به اداره، قانون و نظام ضرورت است.

در این سمینار از افغانستان افرادی چون قطب الدین هلال، محمد زمان مزمل، وحید مژده و دیگران و از پاکستان عده ای از جمله، جنرال اسد درانی رئیس سابق آی اس آی و از ایران ابوشریف سابق سفیر ایران در پاکستان نیز سخنرانی کردند.

سمینار ساعت هشت شب با صدور یک قطعنامه که در آن بر قطع مداخلات خارجی و خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان تاکید شده بود و دعائیهٔ قاضی حسین احمد به پایان رسید.

تکساری

طرح استجواب وزاری ناموفق کابینه از سوی پارلمان



برخی از اعضای مجلس نمایندگان تصمیم گرفته اند، تا وزاری نا موفق کابینه را استیصاح نمایند. در صورتی که پارلمان به این تصمیم خویش ثابت قدم باشد، بدون شک این تصمیم مجلس یک گام شجاعانه خواهد بود، که در نتیجه حداقل زلزله بر اندام اعضای کابینه خواهد افتاد. باید گفت که موفقیت وزیر فقط در مصرف بودجهٔ انکشافی خلاصه نمی گردد؛ بلکه معیارهای دیگری نیز در نظر گرفته شود. در کابینه کمتر وزیری وجود دارد که فعالیت های آن با موفقیت همراه بوده باشد. نخست باید گفت که میزان صلاحیت هر وزیر فرق می نماید، وزیری که پیوند نزدیک با ریاست جمهوری و یا خارجی ها دارند، نسبت به وزیری که چنین پیوندهای در او کمتر دیده می شود، دارای صلاحیت بیشتر می باشد و میزان موفقیت هر وزیر با چنین پیوند ها همراه می باشد، به هر صورت، بی کفایتی ها نظام را به سوی فرسایش و لگام گسیختگی سوق می دهد، به قول شاعر:

گر حکم شود که مست گیرند
در شهر هر آن چی است گیرند

اگر معیار تنها مصرف بودجهٔ انکشافی در وزارت خانه ها قرار گیرد، بدون شک تعدادی مشمول این توبیخ، سرزنش و در فرجام، انفصال هیأت کابینه خواهند گردید. به گفتهٔ مجلس نمایندگان، این نهاد قانونگذار، هفده تن از اعضای کابینه نه توانسته اند بودجهٔ انکشافی خود را در سال ۱۳۸۹ مصرف کنند، باید به استیصاح آنها پرداخته شود. آنچه در مورد اجرای این تصمیم باید گفت، برخی از وزیران کابینه در مقام سرپرستی قرار دارند و از نظر قانونی جوابگوی یک چنین پرسش ها نخواهند بود؛ زیرا این وزیران از کابینه رأی اعتماد به دست نیاورده اند تا به آنها پاسخ ارائه نمایند.

از عمر دور دوم انتخابات ریاست جمهوری دو سال می گذرد و پارلمان دور دوم فعالیت های تقنینی خود را آغاز نموده است؛ اما برای شماری از وزارت خانه ها نسبت قحط الرجالی (!) در کشور، تا هنوز وزیر پیدا نشده و این وزارت ها توسط سرپرست ها اداره می شوند. وزارت های که توسط سرپرست ها اداره می شوند، دارای مسوولیت های حقوقی و سیاسی در برابر پارلمان نیستند، زیرا آنها در برابر پارلمان تکلیف مسوولیت کرده نمی توانند. در قانون اساسی افغانستان یکی از وظایف پارلمان نظارت از کارکرد حکومت است، که باید عندالموقع به آن رسیدگی نماید و در صورت لزوم از ادامهٔ کار آنها بعد از استجواب و دلایل معقول معذرت خواسته شود.

باید این استجواب از وزیران رسمی دولت صورت بگیرد، نه از سرپرستان. باید گفت **که عدم مصرف بودجه انکشافی در حقیقت یک نوع جفای بزرگ در برابر عرضهٔ خدمات اجتماعی، زیر ساخت ها و بازسازی کشور محسوب می شود و این کار می تواند تبعات منفی از خود بجا بگذارد؛ زیرا در نتیجهٔ این کار مردم از نتایج بازسازی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی محروم می گردند. اگر یک چنین کم کاری، بی تفاوتی و عدم مصرف بودیجه از سوی دولت تداوم یابد، در حقیقت پروسهٔ توسعهٔ ملی و برنامه های انکشافی در کشور متوقف خواهد گردید. بارها دیده شده است که یک پروژه نتوانسته است، کارش حتی در چند سال بس برسد و بودجهٔ انکشافی از یک سال به سال دیگر احاله می گردد که نتیجه اش ظرفیت پائین مدیریت، تخصص و جرئت کار و عمل در اداره می باشد.**

بنابرین مردم در یک سر درگمی و نا امیدی به سر می برند و آنچه از سرمایه های بزرگ در اختیار این دولت به هدف انکشاف و توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی گذاشته می شود به حدر رفته و در نتیجه مردم کمتر به رفاه دست خواهند یافت.

بدون شک اجرای بخش بزرگ از انکشاف و توسعهٔ ملی مربوط به دولت می گردد که باید دست های نیرومند و پر قدرت دولتی در اجرای این طرح ها بپردازند و کشور را در مسیر پیشرفت قرار دهند.

قانون اساسی کشور مسوولیت های بزرگی را در جهت انکشاف، رفاه عمومی و توسعه برای دولت پیش بینی نموده است که باید به آن پرداخته شود.

نظر به حکم قانون اساسی کشور این مسوولیت ها را باید حکومت انجام دهد و پارلمان به صورت دقیق از آن نظارت نماید. پارلمان می تواند نظر به حکم صلاحیت های قانونی خویش از مسوولین ادارات دولتی باز خواست نماید. کوتاهی ها، کمبودی ها و کم کاری ها را به بررسی گیرد، و در این بازخواست و مطالبات از سوی پارلمان، شیوه های استجواب، استیضاح و در نهایت سلب اعتماد در نظر گرفته شود.

عدم مصرف بودیجهٔ انکشافی، در حقیقت محروم شدن مردم افغانستان از خدمات قابل پیش بینی می باشد، باید قدری انتظار کشید تا ثابت گردد که پارلمان در برابر این گونه کم کاری ها، بی تفاوتی ها و در فرجام بی مبالاتی مسوولان چگونه بر خورد خواهد کرد؟ دیده شود که این کمبودی ها به شیوهٔ درست و حقوقی آن حل و فصل خواهد گردید و یا با یک معامله این صداها خاموش خواهد گردید.

در صورتی که پارلمان بتواند از صلاحیت های خویش در خصوص تعدادی از مسوولان حکومتی استفاده نماید، به اعتبار و مقام پارلمان افزوده خواهد شد و اعتبار از بین رفته آن دوباره اعاده خواهد شد و در فرجام به موثریت دولت منجر خواهد گردید؛ اما باید گفت که این پارلمان تا اکنون نتوانسته است مشکل داخلی خود را حل نماید طوری که قادر نگردیده است معاون دوم خود را از طریق انتخاب داخلی پارلمان که پنجاه جمع یک می باشد، انتخاب نماید. این احتمال وجود دارد که تا ختم این دورهٔ تقنینی این پارلمان به انتخاب معاون دوم خود موفق نگردد. کسی که نتواند مشکل داخلی خود را حل نماید چگونه می تواند مشکل دبگران را حل نماید.

طوری که اخبار دولتی نشان می دهد وظیفهٔ پارلمان اکثراً در سطح ملاقات ها خلاصه می گردد. و برخی از وکلا به یکی از مهره های قدرت چسپیده است، به این منابع قدرت فکر می کنند. پیش از آنکه به منافع ملی و تطبیق قانون اساسی فکر شود، باید انتظار کشید و عنصر زمان به این گفته ها قضاوت خواهد کرد.

به بهانه ای سی و سومین سالروز ....

جنبش های رهایی بخش در منطقه به ویژه در خاورمیانه شکل گرفت و بیشتر از همه دنیای عرب از این تأثیر گذاری بهره مند گردیدند.

بهرمند شدن دنیای عرب از فیوضات و برکات انقلاب اسلامی ایران، از آن جاناشی می شود که قضیهٔ فلسطین با گذشت هر روز ابعاد پیچیده به خود می گرفت. حمایت ایران از مردم مظلوم فلسطین این کشور را در محک آزمون تاریخی قرار داد و با گذشت هر روز نفوذ و محبوبیت این کشور در قلب آنانی که برای آزادی می اندیشدند بیشتر گردید.

جایگاه ایران به عنوان داعیه دار حمایت از مردم فلسطین، در شرایطی به اوج رسید که کشور های عربی با شعارهای ناسیونالیستی در جنگ با رژیم صهیونستی شکست پیهم خوردند.

بنابرآن، شعار اسلام محمدی از سوی امام خمینی و سیاست تقابل و رویاروی با رژیم صهیونستی راهکارهای بودندکه انقلاب اسلامی ایران را در کشورهای خاورمیانه پرطرفدارساخت.

اگر پیروزی انقلاب اسلامی از یک طرف امیدی برای آمال هایی بلندی، چون وحدت ملی، عزت شرف، حیثیت و وقار داخلی ابعاد منطقه ای و بین المللی می گردید، در عین حال دولت جمهوری اسلامی ایران همواره سعی نمود تا فنآوری های علمی و تحقیقی را تقویت بخشد. روند رو به رشد توسعه های علمی و پژوهشی در عرصه های مختلف از دیگر دست آورد های عمده ای این کشور به شمار می رود.

اکنون با گذشت ۳۳ سال، دست آورد های علمی این کشور در سطوح مختلف خیلی از قدرت ها را به چالش طلبیده و به نگرانی آنان افزوده است.

در حال حاضر موضوع انرژی هسته ای ایران که از داغترین قضایای بین المللی به شمار می رود، این کشور را در کانون گرم کشمکش های حلقات ویژهٔ از قدرت هایی دور نزدیک به ویژه دنیای غرب قرار داده است.

هرچند بارها سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران گفته اند که تولید انرژی هسته یی شان اهداف صلح آمیز دارد، اما دشمنان این کشور تأکید دارند که ایران در پی دستیابی به سلاح اتمی می باشد. در عین حال در آستانه ای پیروزی انقلاب اسلامی، این کشور با چالش های بین المللی، منطقه ای و داخلی رو بروست.

فشارهای غرب و ایستادگی ایران در برابر آن روابط سیاسی و اقتصادی آن را با کشور های دور و نزدیک در نازلترین حد رسانده است.

بنا برآن، ایران تنها کشوریست که در حال حاضر به تنهایی خود در منطقه زندگی می کند، روابط این کشور با دولت های عربی، بنا به دلایلی از جمله مسایل مذهبی، منافع اقتصادی و وابستگی های سیاسی شان همراه با نوسانات است.

هرچند دولتمردان ایران تصریح دارند که فشارها های وارده از کارآیی چندانی برخوردار نیست، اما تحریم های اخیر بر صنعت نفت و بانکی ملی این کشور نشان داده است که زیان های جدی را بر پیکر اقتصادی این کشور وارد نموده است.

در آستانهٔ سی و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، این کشور با اختلافات داخلی همراه است. رویکرد واگرایی و اختلافات، تقسیم شدن وارثین انقلاب به شاخه های مختلف از جمله اصولگرایان، اصلاح طلبان و گذشته از آن در گیری آنان بر سر مسایل قدرت، زندانی ساختن برخی از چهره های مطرح که در پاسداشت از ارزش های انقلاب اسلامی عمری را سپری نموده اند، از دشواری های اند که دامنگیر نظام جمهوری اسلامی در ایران شده است.

هفته نامهٔ

و آنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و چهارم ۲۲ دلو ۱۳۹۰   ۱۹ ربیع الاول ۱٤۳۳ - 11 February 2012

نذرالله عنایت

به بهانه ای سی و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران



۳۳ سال پیش انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. مردم ایران همه ساله سالگرد پیروزی انقلاب شان را جشن می گیرند. همایش مردمی در این کشور در حمایت از ارزش های انقلاب به یک جشن سراسری وملی تبدیل شده است. در ۲۲ دلو/بهمن ۱۳۵۷ طرفداران انقلاب اسلامی به خیابان ها می آیند و در دفاع از انقلاب شان شعارها سرداده و به دشمنان شان نفرین می فرستند.

پیروزی انقلاب اسلامی در همسایگی ما، از جهاتی مقارن با تهدیدات و حوادثی بود که در آن زمان افغانستان را نیز فراگرفته بود. در سال ۱۳۵۷ خورشیدی کودتای سرخ ایادی اتحاد جماهیر شوروی وقت به رهبری تره کی در افغانستان به وقوع پیوست. یعنی در دو کشور همسایه دو تحول کیفی از لحاظ ماهوی به میان آمد. با کودتای تره کی افغانستان عملاً در کام سوسیالیزم با شعارهای کمونستی فروفت، اما در ایران با آمدن امام خمینی در دوازدهم دلو/ بهمن ۱۳۵۷ دهۀ فجر آغاز شد و این کشور عملاً خود را از کام کاپیتالیزم امریکایی نجات داد و بحیث یک ملت آزاد قامت برافراشت.

انقلاب اسلامی در ایران زمانی به پیروزی رسید که دنیا به دو بلوک تقسیم شده بود، پیروزی این انقلاب تعاملات حاکم را در نظم بین المللی برهم زد. با آنکه جمهوری اسلامی در نخستین سال های پیروزی همراه با چالش های داخلی و جنگ تحمیلی با عراق بود، اما قضیهٔ جهاد افغانستان از دیدجمهوری اسلامی بدور نماند و با حمایت های همه جانبه در کنار مجاهدین افغانستان طی سالیان جهاد قرار گرفت و تا به امروز میزبان صدها هزار مهاجر افغانستانی می باشد. اکنون که در سالروز این پیروزی قرار داریم بدین بهانه جا دارد، به مواردی اشاره شود که این تحول شگرف را در منطقه با گذشته ۳۳ سال نمادین و برجسته می سازد. بدون شک از ویژگیهای این انقلاب تأثیر گذاری فراملی آن، به گستردگی جهانی بود. این تأثیرگذاری زمانی به اوج رسید که بیداری اسلامی در منطقه با گذشت هرروز برجسته گردید.

ص۷

نشست شیکاگو

فیض

ناتو همکاری اش را در افغانستان، بعد از ۲۰۱۴ به بحث خواهد گرفت

جنگ و ناامنی چند دهه در کشور، پدیده ایست که ملت افغانستان از آن رنج می برند، خصوصاً در دهۀ اخیر که حدود چهل کشور جهان با ساز و برگ نظامی پیشرفته در پهلوی نیروهای امنیتی و دفاعی کشورما حضور دارند، اما در از بین بردن نیروهای طالب و القاعده و تروریستان نتوانستند موفق شوند و سرانجام راه مذاکره و صلح را با آن ها پیشنهاد نمودند که به این موضوع با توجه به پهلو های مبهم اش سبب نگرانی مردم ما گردیده است که بعد از اینهمه نواختن طبل های جنگ و صلح، بعد از ۲۰۱۴، باز شاهد چه سرنوشتی در این کشور خواهند بود.

نمایندۀ ملکی ناتو در افغانستان به تاریخ ۱۶ دلو سال جاری، به رسانه ها گفته بود که، چگونگی همکاری تفاهمنامه با افغانستان، بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی در نشست شیکاگو برملا خواهد شد. سیمون گاس نمایندۀ ملکی ناتو در افغانستان، همکاری شان را تا سال ۲۰۱۴ میلادی که موعد خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان خوانده شده، گفت: تا آن وقت به نقش نظامی شان دوام می دهند و با نیروهای امنیتی افغانستان در برابر دشمنان عملیات مشترک، خواهند داشت.

در حالی که پیش از این فرانسه خروج نیروهایش را تا پایان سال ۲۰۱۳ اعلام داشته بود، آقای سیمون گاس تأکید کرد که تا وقت موعد (۲۰۱۴) این ماموریت را پیش می برند. وی گفت: «این به مفهوم آن است که تمام کارها تا ختم پروسۀ انتقال به گونه درست به پیش میرود، ناتو به ماموریت نظامی خود در هرجای که نیاز داشته باشد تاسال ۲۰۱۴ دوام می دهد.»

"توماس دی‌مایتزر" وزیر دفاع آلمان نیز در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، با تاکید مجدد بر پایبندی کشورش بر خروج نظامی در چارچوب زمان اعلام شده تأکید داشته که ماموریت نیروهای کشورش، پیش از سال ۲۰۱۴ پایان نخواهد یافت.

آقای کراکر سفیر واشنگتن در کابل گفته است که، آمریکا به انجام ماموریت خود در افغانستان، تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی متعهد است.

قرار فیصلۀ لیزبون در سال ۲۰۱۰ میلادی، حکومت افغانستان با ناتو فیصله نموده بودند که تا سال ۲۰۱۴ میلادی، به صورت تدریجی انتقال مسوولیت های امنیتی سراسر کشور از نیروهای خارجی به نیروهای افغان صورت گیرد و تا آن وقت که نیروهای افغان سرپای خود بایستند و توان مقابله را با دشمن داشته باشند، در سال ۲۰۱۴ نیروهای خارجی کشور را ترک خواهند کرد. طوری که شنیده می شود، مرحله دور دوم انتقال مسوولیت های امنیتی در برخی ولایات و شهرهای کشور که با امن و نسبتاً در امن قرار داشتند، انجام شده است. در صورتی که تا سال ۲۰۱۴ نیروهایی امنیتی کشور ما بتواند در سراسر کشور امنیت را به دست گیرند و از نیرو و قوت برخوردار گردند، آن وقت است که مطابق فیصلۀ ناتو و حکومت افغانستان، ناتو نقش تجهیز و مشوره دهی نیروهای کشور را تقویت خواهد بخشید. اما این همه تعهد ها و قرار های روی کاغذ است، این که بعد از ۲۰۱۴ میلادی وضعیت از چه قرار خواهد بود، چیزیست که زمان به آن پاسخ خواهد گفت. طوری که آقای سیمون گاس نیز گفته است که، واضح نیست که ناتو پس از ۲۰۱۴ با افغانستان همکاری اش چگونه خواهد بود و آیاد بعد از آن سال، افغانستان نیاز به کمک های خارجی خواهد داشت؟

بنا به گفتۀ نمایندۀ ملکی ناتو در افغانستان، نشست سران ناتو در ماه جاری میلادی در شیکاگو، روی چگونگی همکاری های ناتو بعد از سا ل ۲۰۱۴ میلادی بحث خواهند کرد. سخنگوی وزارت خارجۀ کشور نیز سه شنبۀ هفتۀ گذشته به خبرنگاران گفته است که، در کنفرانس شیکاگو در خصوص موفقیت روند سپردن مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان، امضای سند همکاری های ستراتیژیک میان ناتو و حکومت افغانستان و حمایت از نیروهای افغان در درازمدت بحث می شود.

از سوی وزارت مالیه

بودجۀ پیشنهادی سال آینده به مجلس سنا پیشکش شد

مصباح شعیب

در این روزها آنچه در پارلمان کشور سروصدا ایجاد کرده است، مصرف نکردن کامل بودجۀ انکشافی از سوی برخی وزارتخانه ها است که قرار است برخی وزراء از سوی مجلس نمایندگان به استیضاح و استجواب کشانیده شوند و احتمال می رود برخی وزراء کرسی های شان را از دست بدهند. این مصرف نکردن بودجه از یکسو کم کاری بخش های مربوط را برملا می سازد، اما از سوی دیگر کشور را از توسعه و پیشرفت باز می دارد.

مجلس نمایندگان بالای حکومت اعتراض داشتند، در صورتی که وزرای سرپرست و روسای ستره محکمه و لوی سارنوالی را جهت اخذ رأی اعتماد معرفی نکند، تصویب بودجه را به تأخیر خواهند انداخت. تأخیر در تصویب بودجه، مشکلاتی را برای کارمندان دولت بار می آورد و سبب عقب مانی برخی پروژه ها در کشور می شود. زیرا روی تصویب آن نمایندگان حتماً ملاحظات و نظریات شان را می داشته باشند که زمانگیر است. سال گذشته نیز روی تصویب بودجه بحث های زیادی صورت گرفت و گفته شد که عدالت اجتماعی در بودجه رعایت نشده است و... هرگاه از سوی مجلس نمایندگان این بودجه تصویب نگردد، متضرر اصلی مردم افغانستان خواهد بود.

تصویب بودجه بر اساس مادۀ (۹۰) قانون اساسی، از صلاحیت های مجلس نمایندگان افغانستان می باشد. مجلس سنا صرف حق دادن نظر و مشوره را در مورد بودجه ملی دارد اما مجلس نمایندگان صلاحیت دارد تا بودجۀ پیشنهادی را رد و یا تایید نماید.

در مسودۀ بودجۀ ملی سال ۱۳۹۱بودجه انکشافی مبلغ (۱۱۰.۲) میلیارد افغانی در نظر گرفته شده که ۴۰ درصد افزایش را نسبت به سال جاری (۱۳۹۰) نشان می دهد .وزیر مالیه لایحۀ پیشنهادی بودجۀ سال مالی ۱۳۹۱ کشور (از اول حمل تا پایان قوس) را که مبلغ ۲۲۴.۵میلیارد افغانی است، به مجلس سنا پیشکش کرد.

وزیر مالیه روز یکشنبۀ هفتۀ گذشته، هنگام تقدیم لایحۀ بودجۀ سال ۹۱ به مجلس سنا، گفت: در این لایحه، بودجۀ عادی ۱۳۴ میلیارد افغانی تعیین شده که نسبت به سال گذشته ۱۴درصد افزایش را نشان می دهد. وزیر مالیه، علت افزایش بودجۀ عادی را نسبت به سال جاری، گسترش کمیت اردو، پولیس، معارف، حقوق متقاعدین و تطبیق رتب معاشات و برخی موارد دیگر عنوان کرده است. به گفتۀ وزیر مالیه از جملۀ بودجۀ عادی حدود ۳/ ۷۷ میلیارد آن از عوائید داخلی تمویل خواهد شد.

به گفتۀ زاخیلوال، درآمد داخلی دولت در سال مالی ۱۳۹۱ در حدود ۸۹.۹ میلیارد افغانی برای سه ربع اول سال (۹ ماه) تخمین زده شده است. بودجۀ سال جاری ۲۱۵.۹ میلیارد افغانی بود که بودجۀ سال آینده در مقایسه به سال جاری مالی، ۸.۶ میلیارد افغانی افزایش را نشان می دهد.

مشرانوجرگه با درنظرداشت مادۀ ۹۸ قانون اساسی، مسوده بودجه را جهت دریافت نظریات مشورتی به کمیسیون های این مجلس ارجاع کرده است که بعد از ارائۀ نظر در مجلس عمومی، به مجلس نمایندگان برود.